

قصه پر غصه سه جزیره ایرانی

ایران را به مسلخ می برند

از سیاست « برادری هویدا » تا سیاست تنش زدایی خاتمی !

✍ محسن پزشکیور (ضد استعمار ، شماره ۳۳)

۴ - دیگر سیاستهای متجاوز به منطقه مانند پرتقال و هلند با آنکه هر از چندگاه به خلیج فارس و یا سواحل آن دست اندازی مینمودند ولی وضع تثبیت شده را رعایت میکردند و اقدامی برای مخدوش نمودن آن انجام نمی نمودند.

۵ - از اواخر قرن هیجدهم با حضور استعمار انگلیس در شبه قاره هند و مالا در خلیج فارس وضع دگرگون شد و کوشش های وسیع سیاست استعماری انگلیس برای متزلزل نمودن حاکمیت ملت ایران بر خلیج فارس آغاز گردید ، بویژه پس از آنکه خلیج فارس در منطقه به گونه یکی از مهمترین مراکز انرژی شناخته شد. از آنجا که خلیج فارس عمده ترین راه ارتباطی نه تنها آسیا ، بلکه راههای دریایی ، به دریاها و اقیانوسها شناخته شده بود. توطئه هایی انگلستان برای تغییر ساختار حکومتی در خلیج فارس و حتا تغییر ساختار هویت «خلیج فارس» به هویت معمول «خلیج عربی» آغاز گردید ، از این هنگام به بعد حوادث خونبار در تاریخ خلیج فارس شکل گرفت ، گروههای دزدان دریایی ، در مناطق گوناگون خلیج فارس مورد حمایت انگلیسیها قرار گرفتند و بعنوان مبارزه با برده فروشی و جلوگیری از تجارت برده آنها را مسلخ نمودند و طرف قرار داد قرار دادند ، بدینسان برای رؤسای باندهای دزدان دریایی ، عناوین شیخ و امیر بوجود آوردند.

حکومتیهای ایران بویژه دوره ی قاجاریه بطور کلی از وضع خلیج فارس غافل بودند ، دیگر از نیروی دریایی ایران در آن منطقه خبری نبود ، مقاومتیهای محلی ، مانند قیام شیخ مهنا در جزیره خارک و قیام رئیس علی دلواری در منطقه دشتستان و قیامهای دیگر درهم کوبیده شده و انگلیسیها گرداننده خلیج فارس و بخصوص گرداننده حوادث سواحل جنوبی خلیج فارس شدند.

۶ - در کویت که زمانی بمانند همه سواحل جنوبی خلیج فارس تحت حاکمیت ایران بود ، شیخ نشین عربی کویت را بوجود آوردند ، این اقدام مقدمه ای شد برای تشکیل دولت های پوشالی دیگر « بنام دولتهای عربی » تشکیل این دولتها عمدتاً در مسیر تغییر هویت ایرانی خلیج فارس به هویت معمول عربی آن بود ، با انجام نوعی کودتا در حجاز و سپردن حاکمیت آن به خاندان آل سعود منطقه الحسا را که در ساحل خلیج فارس بود ، در قلمرو عربستان سعودی قرار دادند و زمینه را برای دست اندازی ها و تعرضات وسیع در خلیج فارس فراهم کردند.

۷ - با یورش سوم شهریورماه ۱۳۲۰ بر آبهای ساحلی و سرزمینهای ایران ، نیروی جوان دریایی ایران را که پس از دهه های بسیار شکل گرفته بود ، از بین بردند و فرمانده لایق و میهن پرست آن « دربادار بابندر » را به رگبار گلوله بستند.

۸ - در ۱۹۷۰ میلادی انگلیسیها بظاهر اعلام خروج از خلیج فارس نمودند ، در این تاریخ سه جزیره توطئه بر ضد حاکمیت تاریخی ملت ایران شکل گرفت که عبارت بودند از : الف - توطئه نافرجام جدایی بحرین ب - ایجاد دولتی به نام امارات متحده عربی پ - فراهم کردن موجباتی برای طرح ادعای بعدی

بار دیگر ، چون ماهها و سالهای پیش از این ، موضوع ادعاهای پوچ شیخکهای بر تخت امیری نشسته امارات متحده عربی و عربستان سعودی ، در مورد مالکیت امارات بر سه جزیره ایرانی ، ابوموسی (گپ سبزو) تنب بزرگ و تنب کوچک که در گلوگاه ، خلیج فارس (تنگه هرمز) قرار دارند به میان آمده است. این داستان غم انگیز و قصه پر غصه که هم چنان از سال ۱۹۷۱ به بعد مکرراً تکرار میشود با خود حکایت غم انگیزی دارد که حاکی از ضعف و زبونی و تسلیم و خودفروختگی غالب مسئولان سابق ولاحق می باشد ، هر چند از زمانی که توطئه آشکار سیاستهای استعماری در خلیج فارس با صراحت مطرح گردید ، مدام از سوی نهضت پان ایرانیسم در مورد این دسایس ، هشدار داده شد و ریشه ها و هدفهای توطئه گران خارجی و سهل انگاران و حامیان داخلی آنها معرفی گردید ، اما اکنون بار دیگر بر طبلهای این توطئه کوبیده میشود و بوق و کرنای تبلیغات آنان بکار افتاده است و متأسفانه مسئولان کنونی نظام حاکمیت جمهوری اسلامی چنان مسئولان به خواب رفته و غفلت زده پیشین بل در مواردی بسیار ، بدتر از آنان ، با چهره های باصطلاح خندان عملاً ، بسوی گرداب نوعی مماشات که جز تسلیم ، چیزی بیش نخواهد بود در حرکت هستند ، ضرور بنظر می رسد که مطالبی هر چند به اجمال ، پیرامون مسایل خلیج فارس و بویژه مسئله سه جزیره بیان گردد تا مبادا مسئولان و دست اندرکاران ، دانسته و یا ندانسته بمانند موارد دیگر بالمره بر حقوق ملت بزرگ ایران ، خط اغماض و انصراف خاطر بکشند !

۱ - خلیج فارس از زمانهای ناشناخته تاریخ در این منطقه ژئوپلیتیک (جغرافیای سیاسی) این منطقه ، چنان شاهرگ حیاتی برای مردم این سامان و نیز شاهرگ ارتباط دهنده این منطقه از جهان با دیگر مناطق مسکونی و شناخته شده دنیای بشری بوده است.

از همان زمانهای ناشناخته تاریخ : خلیج فارس با نامهای دیرین و سپس با عنوان خلیج فارس پیوند بی چون و چرا با جامعه بزرگ ایرانی و ساختار سیاسی و اجتماعی حکومت ایران در این منطقه از جهان داشته است.

۲ - بدین سبب در سواحل شمالی خلیج فارس و نیز در سواحل جنوبی این شاهرگ حیاتی ملت ایران ، هرگز ساختار حکومت دیگری سوازی حکومت جامعه ایرانی شکل نگرفت. تنها دو امیر نشین عمان و یمن وجود داشت که بعنوان فرزند خوانده های ایران در سواحل جنوبی خلیج فارس شکل گرفته بودند و مورد حمایت ایران و در واقع وابسته به ایران بودند.

۳ - این وضع تثبیت شده تاریخی و سیاسی و جغرافیایی تا قرن نوزدهم میلادی ادامه داشت و حتا تنها قدرت معارض در « شاهنشاهی ایران » یعنی « خلافت عثمانی » که در بسیاری از مناطق دور دست و یا نزدیک به خلیج فارس حاکمیت داشت ، این « وضع تثبیت شده تاریخی و جغرافیایی » را برسمیت میشناخت و هرگز اقدامی و ادعایی برای مخدوش نمودن آن مبذول نداشت.

مجلس سنا و هر یک از این سه حق انشاء قوانین را دارند، ولی استقرار آن موقوف است به عدم مخالفت با قوانین شرعی و تصویب مجلسین و توشیح صحه همایونی ...» و سپس طی اصلی که در قانون مدنی آمده است، هر قانون مصوب و توشیح شده پس از درج در روزنامه رسمی جنبه قانونی پیدا میکند.

هرگز چنین قانونی از مجلس شورای ملی وقت نگذشته است و به صحه همایونی نیز نرسیده است، همچنانکه در مورد بحرین هم قانونی نگذشت و به صحه همایونی نرسید.

ج: بازهم بفرض محال (که فرض محال، محال نیست) اگر هم چنین تفاهم نامه ای وجود داشته باشد هرگز دارای اندک اعتباری نیست و با توجه به اصول ۷۸ - ۸۱ و بخصوص اصل ۱۴۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هرگونه تمکین به تفاهم نامه مجعول و بفرض محال تفاهم نامه واقعی؟! ممنوع است و طبق قوانین کیفری جرم و در خور پیگرد!

اکنون جای بسی شگفتی است که مدام از وزارت خارجه جمهوری اسلامی گرفته تا رئیس جمهور آن، در برابر این توطئه ها، بجای عکس العمل مناسب و مقاومت صریح از نوعی باج دهی و مامشات با سیاست های متجاوز بر حقوق ملت ایران و سلطه سخن بمان میاورند!

در پایان این نکته را بیان میدارم که این حوادث و گفتگوها، هویدا نخست وزیر وقت را در نظرم مجسم نمود که در مورد توطئه بحرین، در مجلس شورای ملی، برابر مقاومت های تاریخی فراکسیون پان ایرانیست، با عصبانیت دستهای خود را بالا برد و فریادکنان گفت:

«... آقای پزشکپور شما و دوستانتان نمیخواهید و نمی گذارید، روابط برادرانه بین ما و برادران عربمان برقرار شود...»؟!

اکنون سیاست تنش زدایی آقای خاتمی و سیاست برادرانه هویدا را در نظر میآوریم که هر دو در سمت و سوی نوعی مدارا و بل حاتم بخشی از حقوق ملت ایران در حرکت است.

سخن آخر اینکه هرگونه سخن گفتن از وجود تفاهم نامه و اعتبار بخشیدن به آن خلاف است و بل جرم و به روزگاری در خور پیگرد ضرور بود که این امر به معروف را بیان دارم.

پاینده ایران

دکتر محمد رضا عاملی تهرانی:
آنچه را برای ملت من بخواهید و
نیرومندی و سربلندی ملت من در
آن باشد قلب من بدرستی آن
گواهی خواهد داد.

نسبت به مالکیت دولت ساختگی و تصنعی امارات متحده عربی بر سه جزیره ایرانی ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک.

۹- در هنگامه این یورش بر ضد ملت ایران و این توطئه بزرگ حزب پان ایرانیست بپاخواست، فراکسیون حزب پان ایرانیست دولت سازش کار هویدا را استیضاح نمود، در نتیجه به سبب مقاومت فراکسیون پان ایرانیست و اقدامات جنبی آن و اینکه شاه را به رسالت و وظایف تاریخی و قانونیش متوجه نمودیم، توطئه آوردن لایحه و یا طرح جدایی بحرین به مجلس شورای ملی عقیم ماند، پس قانونی مبنی بر جدایی بحرین از مجلس ایران نگذشت و به صحه شاه نرسید، در نتیجه جدایی بحرین نه از نظر قانون اساسی وقت ایران و نه از نظر قوانین بین المللی مشروعیت پیدا نکرد، حتا فرزاندم هم در بحرین صورت نگرفت، این نکته شایان توجه است که غالب گروههای دیگر و حتا مدعیان مبارزات مذهبی، حزب پان ایرانیست و ملت ایران و مردم بحرین را در این حادثه عظیم پر مخاطره تنها گذاردند؟!

۱۰- و اما وضع سه جزیره ایرانی ابوموسی که نام اصلی آن «گپ سبز» است و دو جزیره دیگر (تنب بزرگ و تنب کوچک)، عبارت بود از اعاده حاکمیت ایران بر جزایر مزبور و خلع ید از حاکمیت غاصبانه انگلیسیها در آن سه جزیره، در این مورد کافی است که به آنچه شیخ صفر برادر شیخ خالد حاکم قدیمی جزیره، هنگام ورود سربازان ایرانی به جزیره ابوموسی بیان داشت توجه کنیم. او گفت: «من از جانب خود و برادرم شیخ خالد و تمام ساکنان جزیره بیان میکنم که ما ۸۰ سال امانت داری کردیم و جزیره ای را که جزء لاینفک ایران و متعلق به آن است را حفظ نمودیم و اکنون پس از ۸۰ سال آن را به شما میسپاریم و ما دوباره پیوند خود با سرزمین و ملت خودمان را پیدا می کنیم».

۱۱- از آن تاریخ تا مدتها و بل سالهای بعد هیچ گونه ادعای مملوسی نبود تا بناگاهان خبر از وجود نوعی تفاهم نامه که برخی آن را قرارداد میان ایران و شیخ شارجه نامیده اند؟! به میان کشیده شد، این نکته را می بایست بیان دارم که پس از مراجعت از هجرت در اروپا، یکی از شماره های روزنامه «سلام» این خبر را با آب و تاب خواندم، در واقع از آن تاریخ به بعد این موضوع مجعول و بی اساس و اما توطئه آمیز مطرح گردید، تا حال که بصورت معضلی درآمده است. در این مورد می بایست بیان دارم که:

الف- استقرار حضور انگلیس در سه جزیره مزبور، حضوری غاصبانه بوده است که وضع ید غاصبانه ایجاد حق نمی کند و خلع ید از غاصب در هر یک از نظامات حقوقی داخلی و بین المللی امری است برحق.

ب: شارجه هرگز بگونه حاکمیت شناخته شده، در منطقه و مجامع بین المللی نبوده است، در نتیجه اهلیت آن را نداشته که بتواند طرف قرارداد فرضی قرار گیرد!

پ: امارات متحده عربی در هنگام حضور نیروهای ایران در سه جزیره هنوز شکل نگرفته بود و در سازمان ملل متحد به ثبت نرسیده بود، چگونه ساختاری که در آن تاریخ وجود نداشته است میتواند مدعی این مالکیت و یا نوعی از حقوق فرضی در جزیره ابوموسی شود؟!

ت: بفرض محال که تفاهم نامه ای از سوی دو شخص حقیقی و یا حقوقی ذیصلاح امضاء شده باشد، تفاهم نامه تا به مراجع قانونی ارجاع نگردد و مراحل قانونی را نگذراند، هیچ گونه اعتبار قانونی ندارد، تفاهم نامه نمیتواند جای قانون را بگیرد.

ث: چگونگی وضع قانون در قانون اساسی نظام گذشته (قانون اساسی مشروطیت) توجیه و تصریح شده است، بخصوص در اصل ۲۷ قانون اساسی مزبور تصریح میشود که «... قوه مقننه مخصوص است به وضع و تصویب قوانین، این قوه ناشی میشود از اعلیحضرت شاهنشاه و مجلس شورای ملی و